

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۱ می ۲۰۲۵

رهائی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان پذیر است!

(به مناسبت روز جهانی کارگر)



پیشاپیش فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به همه کارگران ایران و جهان و همه برابری طلبان و عدالت خواهان تبریک می گویم!

در طول تاریخ مدرن سرمایه داری و صنعتی، طبقه کارگر پیشگام انقلابات و تحولات مهم در جوامع مختلف بود و هنوز هم است. تعریف مارکسیستی طبقه کارگر؛ شامل همه آنهایی است که نیروی کارشان را می فروشند تا زندگی کنند. زمانی که نام طبقه کارگر به میان می آید، برای بیش تر افراد، بیش از هر چیز یادآور مارکسیسم و پدیده انقلاب است. کارل مارکس نقش به سزایی در ایجاد این تصور از طبقه کارگر داشت. وی طبقه کارگر را یک طبقه انقلابی معرفی کرد که قادر است دیگر طبقات را نمایندگی کند.

دویست سال پس از تولد کارل مارکس و ۱۷۰ سال پس از انتشار مشهورترین اثر او، مانیفست کمونیست، ربط مسقیمی به امروز دارد.

بدون نیروی کار کارگران (یدی و فکری)، سرمایه داران قادر به کسب سود نیستند و موتور نظام سرمایه داری از کار می افتد.

از میان تمام امکاناتی که سرمایه دار می تواند برای راه اندازی کسب و کارش بخرد، تنها نیروی کار است که بر ارزش سرمایه اش می افزاید؛ یعنی نیروی کار که به حدی تولید می کند که ارزش آن بیش از هزینه اصلی سازهائی است که برای

تولید تمام شده صرف شد. زمان، فکر، و انرژی تنها سرچشمه سود نهایی و یا ارزش افزوده در اقتصاد سرمایه‌داری هستند که کارگران در فرایند تولید به کار می‌گیرند، اما کسی که مالک محصول است تنها اندکی از این تلاش‌های کارگران را به‌عنوان مزد می‌پردازند. به بیان دیگر، این‌که تمام سودهای حاصله نتیجه کار کارگرانی است که مزدی برای آن پرداخت نمی‌شود.

این کشف انقلابی کارل مارکس راه را برای توضیح جامع شیوه‌های کار نظام سرمایه‌داری و راه شناسایی چگونگی استثمار را هموار کرد. این بنیان درک سوسیالیستی از اقتصادها و جوامع امروز جهان را شکل می‌دهد؛ اختلاف بنیادین جهان مالکان سرمایه و استثمارگر و تهیدستان و استثمارشوندگان است.

جشن اول ماه مه در حکومت‌های پهلوی اول و دوم

*در سال ۱۲۹۹ هم زمان با اوجگیری جنبش گیلان، اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران به‌مناسبت روز جهانی کارگر اعلامیه‌ی منتشر نمود. در اعلامیه، از عموم کارگران خواسته شده بود که جشن اول ماه مه را با شکوه هر چه بیشتر برگزار نمایند.

*اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) ۱۲۹۹ برای اولین بار به‌طور علنی و عمومی جشن گرفته شد.

*در سال ۱۳۰۰ جشن اول ماه مه با شرکت هزاران کارگر که خواستار کاهش ساعت کار به هشت ساعت در روز بودند، برگزار گردید.

در ۱۳۰۴ پلیس رضا خانی مخالفت خود را با برگزاری جشن و مراسم اول ماه مه اعلام کرد. کارگران و زحمت‌کشان توسط پلیس مزدور برای کشف اعلامیه و بیانیه گروه‌ها و سازمانهای مترقی مورد بازرسی بدنی قرار گرفتند.

روز دوم ماه مه (۱۲ اردیبهشت) ۱۳۰۶ «ادیب السلطنه» نماینده رئیس شهربانی به‌همراه گروهی از افراد پلیس به چاپخانه‌ها ریخته‌کسانی را که اقدام به چاپ و نشر اعلامیه نموده بودند، بازجویی کرد. نماینده رئیس شهربانی چاپخانه‌ها را بازرسی نموده و با متهم کردن چند نفر از کارگران دستور جلب آن‌ها را صادر نمود.

در سال ۱۳۰۷ جشن اول ماه مه به دعوت اتحادیه‌های کارگری برگزار شد. اتحادیه‌ها تصمیم به برپایی این جشن در باغی نزدیک تهران گرفتند. اتحادیه مرکزی سه نفر از کارگران را مسؤول برگزاری جشن کرد. بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران نساجی، چاپخانه‌ها، کفاشی‌ها و... در این مراسم شرکت کردند.

هزینه‌های جشن را خود کارگران پرداخته بودند. چند روز پس از برگزاری جشن، پلیس از برگزاری مراسم اول ماه مه با خبر شد. بلافاصله حدود ۱۰۰ نفر از کارگران و رهبران اتحادیه‌ها را به اتهام به راه‌انداختن اجتماع غیرقانونی دستگیر و زندانی نمودند. افراد دستگیر شده به تفاوت تا ۵ ماه در زندان به‌سر برده و بعد آزاد شدند.

طی سال ۱۳۰۸ آزادی‌های سیاسی به‌شدت محدود گشت. دستمزدها به میزان چشمگیری کاهش پیدا کرد. در این شرایط اتحادیه مخفی کارگران نفت به نام «جمعیت کارگران نفت جنوب» تشکیل شد. نمایندگان کارگران در کنفرانس‌هایی پیرامون «تجدید نظر در قرار داد شرکت نفت، افزایش دستمزد، تاسیس کتابخانه و...» به بحث و تبادل نظر پرداختند.

جمعیت کارگران نفت برای گرفتن خواست‌های کارگران روز اول ماه مه را اعتصاب عمومی در تمامی مناطق نفتی اعلام کرد. در اعتصاب روز ۱۱ اردیبهشت، ۱۳۰۸ بیش از ۲۰ هزار کارگر شرکت کردند. پلیس رضا خانی برای خاموش کردن اعتصاب، ده‌ها نفر از کارگران فعال را دستگیر نمود. اما اعتصاب باز هم گسترش یافت. مردم به

حمایت از کارگران اعتصابی برخاستند. بعضی خواست‌های کارگران عبارت بود از:

۱- به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری

- ۲- قانونی شدن روز کارگر.
 - ۳- رسیدگی به اختلافات بین ایرانی‌ها و اروپائی‌ها فقط در صلاحیت دادگاه‌های ایران باید باشد.
 - ۴- آزادی کارگران زندانی.
 - ۵- افزایش دستمزد.
 - ۶- تامین مسکن توسط شرکت برای کارگران.
 - ۷- شرکت نمایندگان کارگران در اداره کار و هیأت بهداشتی.
- *در سال ۱۳۰۹ تعداد زیادی از کارگران زحمتکش قالی‌باف مشهد و حومه جشن اول ماه مه را برگزار کردند. کارگران به علت ممنوع بودن هر گونه تجمع به‌مناسبت روز کارگر، مخفیانه به «کوه سنگی» در نزدیکی شهر رفتند.
- *اول ماه مه ۱۳۱۰ نیز شاهد اعتصاب ۴۰۰ نفر از کارگر رزمنده کارخانه نساجی «وطن» در اصفهان بود. برخی از خواست‌های کارگران عبارت بود از:
- ۱- آزادی تشکیل سندیکا و اتحادیه.
 - ۲- هشت ساعت کار روزانه.
 - ۳- لغو سیستم کنترل در ورودی کارخانه.
 - ۴- لغو جریمه و تنبیه بدنی.
 - ۵- پرداخت کلیه مخارج بیماری کارگران توسط کارفرما.
- *جشن اول ماه مه ۱۳۱۰ را کارگران تبریز به علت شرایط خفقان و ترورد کوه‌های اطراف شهر برگزار نمودند..
- *جشن روز کارگر در سال ۱۳۱۷ توسط عده‌ای از کارگران چاپخانه‌ها همراه با خانواده‌هایشان در یکی از رستوران‌های تهران و با حضور نمایندگان اتحادیه چاپخانه‌ها برگزار شد. پلیس رضاخانی به رستوران محل تجمع حمله کرده و تعدادی از کارگران را دستگیر نمود.
- *در سال ۱۳۲۰ بعد از برکناری رضاخان از قدرت به دلیل همکاری با هیتلر توسط متفقین، کارگران پس از سال‌ها مبارزه موفق شدند که قانونی شدن «روز کارگر» عید جهانی خود را همراه با تعطیلی آن روز به دولت جدید تحمیل نمایند.
- *اول ماه مه ۱۳۲۳ ده‌ها هزار نفر از کارگران قهرمان جامعه‌مان در تهران و شهرستان‌ها در تظاهرات این روز شرکت نموده و بار دیگر اتحاد و همبستگی خود را برای کسب حقوق خویش اعلام نمودند.
- خواسته‌های کارگران در جشن اول ماه مه ۱۳۲۴ این بود:
- ۱- آزادی بیان و اجتماعات
 - ۲- کار برای همه بیکاران
 - ۳- تصویب قانون بیمه کارگران
 - ۴- تساوی دستمزد زنان و مردان کارگر.
 - ۵- اجرای قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و ...
- *نفت گران خوزستان در ۱۳۲۵ اتحاد و همبستگی خود را به شکل «اتحادیه‌ای» اعلام نمودند. در جشن روز کارگر بیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان خوزستان شرکت کرده و در پایان مراسم دست به تظاهرات شکوهمندی زدند.

*در ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق دولت ملی خود را تشکیل داد. دولت مصدق فعالیت اتحادیه‌های کارگری را آزاد اعلام کرد و روز اول ماه مه به‌عنوان روز کارگر را نیز به رسمیت شناخت. به این ترتیب، کارگران به یکی از خواست‌های دیرینه خود رسیدند. روز اول ماه مه (دو روز پس از آغاز حکومت مصدق) و در آستانه دوران جدید حیات آزادی در ایران، کارگران و محرومان ایران، جشنی سراسری برگزار کردند. در تهران بیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران و زحمت‌کشان و سایر اقشار و طبقات مردمی در مراسم و تظاهرات شرکت کردند. و از اولین ثمرات مبارزات خودکام آزادی برگزاری مراسم و تظاهرات بود، بهره‌مند شدند.

*در سال ۱۳۳۱ مراسم سالروز اول ماه مه در تهران به علت حکومت نظامی برپا نشد. ولی در شهرهای اصفهان، آبادان، مازنداران و تبریز تظاهرات و جشن برپا گردید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هر گونه آزادی سیاسی، اعتصاب‌ها و تشکل کارگری ممنوع شد. به همین ترتیب برگزاری مراسم اول ماه مه ممنوع گردید. پس از مدتی دولت شاه اعلام کرد که روز تولد رضاخان دیکتاتور به‌عنوان روز کارگر اعلام می‌شود. اما کارگران هر ساله خود در روز اول ماه مه کار را تعطیل و عید جهانی‌شان را جشن می‌گرفتند.

*در سال‌های پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به یکباره تمامی آنچه که کارگران در سال قبل و دوران حکومت ملی دکتر مصدق به دست آورده و در روز جهانی کارگر به بزرگداشت آن می‌نشستند، از دست رفت و عید کارگران به عزای واقعی تبدیل شد، سرکوب و زندان و تعطیلی تشکل‌های کارگری اولین مشخصه دوران پس از کودتا بود که تا سال‌ها پس از آن ادامه یافت.

*در سال ۱۳۵۲ تحت فشار نیروی عظیم کارگران و ثبات سیاسی و اقتصادی حکومت شاه، روز ۱۱ اردیبهشت به‌عنوان روز تعطیل رسمی کارگری شناخته شد. هر ساله سندیکا‌های فرمایشی وابسته دولتی در روز کارگر، دست به راهپیمائی زده و حکومت شاه را تائید و ستایش می‌کردند.

*در بهمن ۱۳۵۷، انقلاب مردم منجر به سقوط حکومت پهلوی گردید، کارگران و زحمت‌کشان ایران در اردیبهشت ۱۳۵۸ جشن اول ماه مه را همراه با تظاهرات و میتینگ‌های چندین هزار نفری برگزار کردند. در تبریز، کارگران و زحمت‌کشان در باغ گلستان تجمع نموده و از آنجا دست به راهپیمائی زدند. در این راهپیمائی بیش از پنجاه هزار نفر شرکت کردند. در آبادان، هزاران نفر از نفت‌گران همراه با دیگر کارگران و زحمت‌کشان جشن اول ماه مه را برگزار کردند. تظاهر کنندگان شعار می‌دادند: «اول ماه مه و جشن جهان است امروز.» در تهران، چندین گردهم‌آئی بزرگ توسط کارگران و دانشجویان به‌مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگران برگزار شد.

*با سرکوب سراسری جنبش انقلابی مردم ایران در سی خرداد سال ۱۳۶۰، جنبش کارگری ایران نیز به شدت سرکوب شد و مانند دوران سیاه پس از کودتای ۲۸ مرداد، جنبش کارگری نیز میدان عمل گسترده قبلی خود را از دست داد، اما دیکتاتوری فاشیستی-مذهبی ایران بنا بر ماهیت فریب‌کارانه خود با تشکیل یک نهاد جعلی به نام «خانه کارگر» تلاش کرد دیکتاتوری را با فریب و نیرنگ بیوشاند. آخوندها تعطیلی روز جهانی کارگر را لغو کردند اما خانه کارگر جعلی خود را ملزم به برگزاری یک مراسم ساختگی و یک نمایش حکومتی کردند که مورد نفرت کارگران ایران است و در انزوای کامل توسط پاسداران و تعداد انگشت شماری بسیجی سرکوبگر برگزار می‌شود تا دست‌مایه یک گزارش خبری یکی دو دقیقه‌ای خبرگزاری‌های رسمی حکومت برای صدور به آنتن خبرگزاری‌ها گردد. متقابلاً کارگران انقلابی ایران نیز با گردهم‌آئی‌های متعدد و پراکنده، مراسم‌های واقعی روز جهانی کارگر را در تمامی گستره ایران برگزار می‌کنند تا روزی که این کانون‌های پراکنده، به هم‌دیگر پیوسته و رود خروشان کارگران و سایر جنبش‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب در پیوند با همدیگر، بنیان حکومت ضدآزادی و ضدکارگری جمهوری اسلامی از ریشه برکنده شود.

طبقه کارگر ایران

در تاریخ ایران طبقه کارگر صنعتی، طبقه‌ای نوپا محسوب می‌شود. طبقه‌ای که همواره مورد توجه گرایش‌ها، احزاب و جریان‌های مختلف بوده است. از زمان شکل‌گیری اولین هسته‌های سوسیال دموکراسی در ایران، همواره دغدغه کارگران مورد توجه روشنفکران انقلابی بوده است. از همان ابتدا تا شکل‌گیری احزاب مارکسیست گسترده‌تری مانند حزب کمونیست ایران مهم‌ترین توقع و دغدغه آن‌ها از طبقه کارگر نمایندگی و رهبری انقلاب بوده است، اما واقعیت تاریخی این است که هنوز این طبقه با تمام تلاش‌ها و جانفشانی‌ها به اهداف خود دست نیافته است؛ بی‌تردید دیکتاتوری و اختناق و ممنوعیت آزادی بیان و اندیشه و احزاب از عوامل مهم آن بوده است نه همه عوامل آن. به‌ویژه در سازمان‌یابی و مبارزه طبقه کارگر آگاهی شرط مهمی است.

کارگران، آن‌هایی هستند که داری هیچ دارائی، ابزار، مواد، یا پول لازم برای کسب این موارد نیستند، که همگی برای مشارکت در تولید یا مبادلات - کسب درآمد در بازار- لازم هستند. در حالی که سرمایه داران از تمامی موارد بالا برخوردارند و حاکمیت هم پشتیبان آن‌هاست.

هر چه کارگران خاموش باشند؛ هر چه دستمزد کمتر و هر چه ساعات کار برای آن دستمزد بیشتر باشد، سرمایه‌داران کارگران را بیشتر استثمار می‌کنند، یعنی سرمایه‌داران با بها و ضرر کارگران پول بیشتری کسب می‌کنند.

آحاد کارگران که عملاً تمام کارها را انجام داده و تمام ثروت را خلق می‌کنند، اما مالک هیچ چیزی نیستند. در واقع طبقه اقلیتی که کاری بسیار اندک انجام داده و هیچ ثروتی را تولید نمی‌کند، اما مالک تقریباً همه چیز است.

رقابت سرمایه‌داران در بازار و نیاز بی‌حد و حصرشان برای کسب سود بیشتر، آن‌ها را وادار می‌دارد صنایع و شرکت‌هایشان را با تشدید استثمار و تراکم تعداد بیشتری از مزدگیران به‌طور روز افزون توسعه دهند؛ نیروی که برای دفاع و بسط حقوق و شرایط کارشان نیز وادار به اتحاد و سازمان‌دهی با یکدیگر می‌شوند. این نگرش هم سرمایه‌دار و هم کارگر برای ایجاد تغییر جهت نرخ استثمار، تنش مداومی در جوامع سرمایه‌داری به وجود می‌آورد و به نزاع طبقاتی دامن می‌زند. اما نزاع طبقاتی با تمام پستی‌ها، بلندها، و پیچ و خم‌هایش در طول زمان، در آخرین تجزیه و تحلیل خود بر هر تغییر اجتماعی و تاریخی تاثیر قطعی می‌گذارد.

در واقع «مانیفست کمونیست» با این بشارت آغاز می‌شود که «تاریخ تمام جوامع تاکنون موجود، تاریخ نزاع طبقاتی بوده است.» انگلس بعدها توضیح داد که منظور، تمام «تاریخ نوشتاری» می‌باشد، زیرا، برای این حجم عظیم، موجودیت جوامع بشری به اقتضا بر مشارکت و برابری استوار شد. شرایط بدوی و خصلت برابرگرای مانع انباشت ثروت، مالکیت خصوصی و رشد هر سلسله مراتبی مهم در میان گروه‌های اجتماعی بود.

از همان آغاز شکل‌گیری اولین هسته‌های مبارزات کارگری در باکو و انجمن «همت» و همچنین سوسیال دموکراسی در دوران مشروطه و سپس حزب کمونیست ایران، همواره بزرگترین چالش در به وجود آمدن آگاهی طبقاتی و مبارزاتی در بین کارگران، وجود حکومت‌های مستبد و سرکوبگر بوده است. شاید سرمایه‌داری و بورژوازی در ایران با تاخیر آغاز شد، اما وجود دولت‌های سرکوبگر و مستبد بسیار نقشی اساسی‌تر در سرکوب و استثمار کارگران ایفا می‌کرده است. وجه مشترک حکومت‌ها سرکوب شدید مبارزات کارگری و مطالبه‌گری آن‌ها بوده است. به همین جهت، شدیدترین سرکوب‌ها متوجه حرکت‌های کارگری بوده است. در ایران برای عدم احقاق حق اولیه کارگران خیلی نیازی به سرمایه‌دار بی‌رحم نبود بلکه خود حکومت‌ها بیش‌ترین کار ویژه را برای این امر برعهده داشته‌اند.

هرچند در دوره‌های کوتاهی مانند ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ کارگران به نسبت آزادی‌هایی پیدا کردند و در همین دوره‌ها بود که بزرگترین اجتماعات کارگری در تاریخ ایران شکل گرفت، اما به‌طور کل منطق همواره یک چیز بود؛ سرکوب بدون قید و شرط حرکت‌های کارگری. دوره‌هایی هم در تاریخ ایران بوده است که دولت‌ها سیاست هویج و چماق را در پیش گرفته‌اند که این موضوع در نوبه خود اهمیت بالایی در مبارزات کارگری داشته است که باید در جای خود بررسی شود.

ابتدا کودتای رضا خان و سپس کودتای پسرش ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با سازمان‌دهی و حمایت و انگلستان و امریکا، اتفاقات مهمی در حیات کارگری ایران بودند. تا پیش از این تاریخ کارگران ایران به واسطه پشت سر نهادن چند سال آزادی نسبی، یعنی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰، از آگاهی سیاسی اجتماعی و سیاسی بالایی برخوردار شده بودند. حتی کارگران نفت نقش به‌سزایی در حمایت از ملی شدن نفت ایران و حادثه ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ بازی کرده بودند. اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و اخراج بخش زیادی از کارگران این سنت مبارزاتی به‌طور کامل محو شد. این موضوع زمانی تقویت شد که با انقلاب سفید و گسترش گسترده کارگران روستائی به شهر و جایگزینی کارگران جدید با کارگران قدیمی، با نسل جدیدی از کارگران مواجه بودیم که خاطره‌ای از دوران مبارزان کارگری به یاد نداشتند. پیکارگران ایران در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ نقش مهم و برجسته‌ای را ایفا کردند به‌ویژه کارگران صنایع نفت. اما پس از انقلاب این طبقه نتوانست آلترانیو خود را به‌طور جدی و پیگیر و همه‌جانبه در مقابل جامعه قرار دهد و اجازه ندهد حکومت اسلامی سرمایه‌داری همان راه حکومت پهلوی، یعنی سرکوب و استثمار طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اجتماعی را رقم بزند.

اعتصابات و اعتراضات کارگران و کارکنان ۱۴۰۳ ایران، شامل اعتراضات کارگران و کارمندان دائمی، موقت، پیمانی، پروژه‌های مربوط به بخش خصوصی یا دولتی شاغل در شرکت‌ها، موسسات، ادارات، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها یا کارگران آزاد ساختمانی و تاسیساتی یا کارگران بیکار در ایران است. این معترضان در اعتراض به گرانی، تورم بالا، حقوق و دستمزدهای پائین، معوقات مزدی، کوچک شدن سبد معیشتی و زندگی در زیر خط فقر، برای رسیدگی به مشکلات قانونی و نارسائی‌های شغلی، وضعیت معیشتی، رفع تبعیض و مقابله با تورم و ستم موجود نسبت به آن‌ها دست به اعتراضات مسالمت‌آمیز می‌زنند.

افزایش نرخ دلار به بالای ۱۰۰ هزار تومان، کاهش ارزش پول ملی، رشد بی‌سابقه تورم، و کاهش توان خرید مردم، تنها بخشی از مشکلاتی است که جامعه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند.

در بخش تولید نیز، نبود مواد اولیه، افزایش هزینه‌های تولید و عدم حمایت از تولیدکنندگان، بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را به تعطیلی کشانده است. این در حالی است که بسیاری از مشکلات به دلیل سیاست‌های داخلی و نه تحریم‌های خارجی به وجود آمده است.

اگرچه تحریم‌ها تأثیر زیادی بر اقتصاد ایران داشته‌اند، اما بسیاری از مشکلاتی که امروز فعالان اقتصادی و تجار با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ناشی از تصمیمات اشتباه و سیاست‌گذاری‌های داخلی و فساد سیستماتیک است.

یکی از مهم‌ترین سوالاتی که در سال ۱۴۰۴ مطرح می‌شود، مذاکرات و توافق احتمالی جمهوری اسلامی و ایالات متحده امریکا است. پس از سال‌ها تنش و عدم توافق، آیا این بار ایران و امریکا می‌توانند به یک توافق جامع دست یابند؟ تحولات جهانی و منطقه‌ای، به‌ویژه در خاورمیانه، می‌تواند بر این مذاکرات تأثیر بگذارد.

ناراضی‌های عمومی و تورم افسارگسیخته، کاهش قدرت خرید، و نابرابری‌های اجتماعی، می‌توانند باعث افزایش اعتراضات و اعتصابات‌های داخلی شوند.

سال ۱۴۰۴ برای ایران یک سال سرنوشت‌ساز خواهد بود. کشور در آستانه یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی قرار دارد.

در جامعه کنونی، شکاف‌های متعدد میان نسل‌ها، زنان و مردان و اقشار مختلف برجسته شده است. این شکاف‌ها باعث شده‌اند که جامعه از پذیرش تغییرات اقتصادی فاصله بگیرد. چرا که جامعه به حاکمیت اعتماد ندارد و حس می‌کند که اصلاحات اقتصادی به نفع او نیست، هیچ‌گونه حمایتی از این تغییرات انجام نخواهد داد. نسل جوان و اقشار مختلف جامعه احساس می‌کنند که آینده‌ای روشن در انتظارشان نیست.

وقتی زمین زیر پای ۹۰ میلیون نفر هر سال چند سانتی‌متر پائین‌تر می‌رود، وقتی تالاب‌ها به طوفان و دما به دشمن جان بدل می‌شود، دیگر با بحران روبه‌رو نیستیم؛ جامعه ما در آستانه یک فاجعه تمدنی قرار دارد. ۳۰ استان ایران درگیر فرونشست‌اند. این خبر توسط رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست کشور اعلام شده است. این جمله، مثل یک مشت به صورت واقعیت است. فرونشست دیگر نه پدیده‌ای علمی که تهدیدی لحظه‌به‌لحظه برای جان و مال میلیون‌ها ایرانی است. اگر همین مسیر را ادامه دهیم، تنها در ده سال آینده: بخش‌هایی از اصفهان، کرمان، تهران، فارس، خراسان رضوی و قم ممکن است غیرقابل سکونت شوند. خطوط راه‌آهن، بزرگراه‌ها، زیرساخت‌های شهری و حتی فرودگاه‌ها، در خطر فروپاشی کامل هستند. با کاهش سفره‌های آب زیرزمینی، خاک به شن بدل می‌شود و کشاورزی، قلب اقتصاد مناطق مرکزی، برای همیشه می‌میرد.

منابع آب رو به نابودی‌اند، گرمای بی‌سابقه جان‌ها را می‌گیرد و ۶۶ درصد تالاب‌ها به کانون گردوغبار بدل شده‌اند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که در سال ۱۴۱۴، حدود ۴۰ درصد از خاک کشور قابل سکونت خواهد بود. پایان کشاورزی سنتی در فلات مرکزی، تنش آبی در ۴۰ شهر بزرگ کشور، احتمال تقابل‌های قومی و منطقه‌ای بر سر آب، گسترش پدیده «مافیای آب» و خصولتی‌سازی منابع آبی. در سال ۱۴۱۴، اگر همین روند ادامه یابد، بیش از ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در مناطقی خواهند بود که نیاز به انتقال آب بین‌حوضه‌ای و واردات آب دارند.

سازمان شفافیت بین‌الملل، نتایج رتبه‌بندی شاخص فساد کشورها در سال ۲۰۲۴ میلادی را منتشر کرد و ایران در جایگاه ۱۵۱ از ۱۸۰ کشور قرار گرفت. بسیاری از کشورها، از امریکا و فرانسه تا حکومت‌های اقتدارگرائی مانند روسیه و ونزوئلا، بدترین عملکرد خود را در بیش از یک دهه گذشته ثبت کردند.

سازمان شفافیت بین‌الملل که شاخص سالانه ادراک فساد را منتشر می‌کند، سه‌شنبه ۲۳ بهمن اعلام کرد ۴۷ کشور از میان ۱۸۰ کشور بررسی شده در سال گذشته میلادی، پائین‌ترین امتیاز خود را از زمان اعمال روش‌شناسی کنونی این رتبه‌بندی در سال ۲۰۱۲ کسب کردند.

در این بررسی‌ها، ایران با یک امتیاز کاهش نسبت به سال گذشته میلادی، امتیاز ۲۳ را کسب کرد و در رتبه ۱۵۱ قرار گرفت. جایگاه ایران، همچنین بدترین وضعیت آن از نظر شاخص فساد در یک دهه گذشته است.

پائین‌ترین میانگین امتیاز «منطقه» با عدد ۳۳ مربوط به آفریقای جنوب صحراست. به گفته سازمان شفافیت بین‌الملل، در آسیا و اقیانوسیه، دولت‌ها هنوز نتوانسته‌اند وعده‌های خود را در زمینه مبارزه با فساد عملی کنند.

یکی از نکات مهم در مورد مشکلات اقتصادی ایران امروز این است که بخش قابل توجهی از این مشکلات ریشه‌های اجتماعی دارند. به‌عنوان مثال، در اواخر سال ۱۴۰۳ بود که «سلام ستوده» نماینده مجلس شورای اسلامی، تاکید کرد که اکنون حدوداً ۲۵ میلیون فقیر در کشورمان داریم. در عین حال، برخی ارزیابی‌ها حاکی از این هستند که با توجه به حداقل دستمزدهای پرداختی در کشورمان، یک فرد در تهران به زمانی بالغ بر یک و نیم قرن نیاز دارد تا بتواند خانه‌دار شود! البته که این موضوع در دیگر بخش‌های کشور نیز وضعیت بهتری ندارد. اقتصاد ایران در طی چهار

سال اخیر، تورم حداقل ۴۰ درصدی را تجربه کرده این در حالی است که درآمد بخش قابل توجهی از مردم کشورمان به هیچ عنوان متناسب با نرخ تورم رشد نکرده است. موضوعی که بر تشدید فقر و البته تضعیف قدرت خرید مردم اثرگذاری مستقیم و منفی را داشته است.

میلیون‌ها نفر خواهان پیوستن به بازار کار هستند در حالی که بازار کار اشباع شده و میلیون‌ها انسان بی‌کارند. بیشترین شاغلین هم در فقر مطلق زندگی سختی دارند.

مرکز آمار ایران گزارش نهایی خود از بازار کار را در خرداد ماه ۱۴۰۳ منتشر کرده است. طبق این آمار، در میان ۶۴/۵ میلیون نفر ایرانیان در سن کار، ۲۶/۶ میلیون نفر در سال ۱۴۰۲ در بازار کار حضور دارند، یعنی به‌عنوان جمعیت فعال شناسایی شده‌اند که کمتر از نصف جمعیت در سن کار است.

جمعیت شاغل به دو بخش شاغل و بیکار (افراد در جستجوی کار) تقسیم می‌شود. نرخ بیکاری ۸/۱ درصدی اعلام کرده‌اند به این معناست که ۲/۱ میلیون نفر از جمعیت فعال در یافتن شغل ناکام مانده‌اند؛ هم‌زمان اشتغال ۲۴/۵ میلیون نفر، به‌معنای این است که ۳۸ درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال کشور، شاغل هستند.

اقتصاد ایران در حال تغییر است و این تغییرات به‌طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارند. در ۵۰ سال اخیر، بازار کار ایران همواره با چالش بیکاری روبرو بوده است.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، پائیز سال گذشته، بیشترین نرخ بیکاری جمعیت جوان متعلق به سه استان کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و گلستان بوده است. نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله استان کرمان در فصل پائیز برابر با ۴۷ درصد بوده است. به تعبیر دیگر، از هر دو نفر جمعیت فعال جوان، تقریباً یک نفر جویای کار بوده است.

پس از آن با اختلاف کمی استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد که جمعیت جوان این استان در پائیز امسال نرخ بیکاری معادل ۴۶/۵ درصد تجربه کرده‌اند. در رتبه سوم استان گلستان قرار دارد که نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله آن در پائیز امسال ۳۶/۸ درصد بوده است.

اما مرکز آمار ایران، همواره آمارها را دستکاری کرده و آنجا که به نفع حکومت‌شان نیست مثلاً در عرصه بیکاری، سعی دارند همواره پائین‌تر نشان می‌دهند. در کردستان و سیستان و بلوچستان بیکاری غوغا می‌کند و بیشترین جوانان بیکارند و به همنی دلیل، آن‌ها برای گذران زندگی خود و خانواده‌شان به کارهای خطرناکی چون کولبری و سخت‌بری روی آورده‌اند. این انسان‌ها، همواره در معرض حوادث طبیعی و همچنین در معرض کشتار نیروهای مرزی حکومتی قرار دارند.

فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی در هر کشوری، به واسطه آن‌که نیروی کار آموزش‌دیده کشور محسوب می‌شوند و مدیریت کشور را در دست می‌گیرند، این در حالی است که متأسفانه در ایران با وجود جمعیت قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، آن‌طور که باید و شاید شاهد بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها در راستای منافع اقتصادی ایران نیستیم.

نکته مهم این است که آمارهای بالای بیکاری در میان قشر تحصیل‌کرده ایران سبب می‌شود تا آن‌ها برای یافتن یک زندگی بهتر به خارج از ایران مهاجرت کنند. وقتی کشور از نیروی کار آموزش‌دیده خود محروم شود و آن‌ها را دودستی تقدیم دیگر کشورها کند، بدون تردید قادر نخواهد بود که به چشم‌اندازهای روشنی در حوزه رشد و توسعه اقتصادی خود دست یابد. تداوم این روند، حقیقتاً به یک بحران بزرگ برای جامعه ایران تبدیل شده و البته که از در پیش بودن چالش‌های جدی‌تر برای اقتصاد ایران در طی سال‌های آتی خیر می‌دهد.

لیست کردن اجحاف به کارگران، بسیار بلند بالاست. اگر کارگری از کارفرما شکایتی داشته باشد «مراحل شکایت از کارفرما گاهی آن قدر طول می‌کشد که اگر این شکایت بابت دریافت حقوق و مزایای نقدی باشد، ارزش پول او در تورم روزانه کاهش پیدا می‌کند.» این گفته‌ای است از یک کارگر که خبرگزاری ایرنا آن را در یکی از گزارش‌های خود آورده است. در واقع، حتی مجموعه اجحاف‌هایی که بر کارگران و کل مردم مزدبگیر وارد می‌شود، به راحتی فهرست‌شدنی نیستند. وضع در ایران را می‌توان با عنوان استثمار در استثمار و یا روشن‌تر، دزدی در روشن از دسترنج توصیف کرد.

ندادن قرارداد، یا قرارداد ناروشن بدون تاریخ و فسخ آن به اراده‌ی صاحب‌کار، یک کانال دزدی از دسترنج است. در پیوند آن پرداخت دستمزد زیر تعرفه‌ی معمول است. از نیاز کارگر به یافتن یک فرصت اشتغال سوءاستفاده کرده و قراردادی ظالمانه به او تحمیل می‌کنند.

بنابر آماري که «مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» جمع‌آوری کرده در بازه زمانی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، دستکم ۸۴ هزار و دویست و بیست و شش کارگر بیش از هزار و پنجاه و دو ماه معوقات مزدی دارند.

زدن زیر قرارداد کتبی یا شفاهی از سوی صاحب‌کار گوشه دیگری از اجحاف به کارگران است. به فهرست این اجحافات، همچنان می‌توان افزود: از پیاده کردن طرح طبقه‌بندی مشاغل به‌نفع کارفرما گرفته تا زدن از تجهیزات ایمنی و فرستادن کارگران به کام مرگ.

حقوق بازنشستگی‌شان ناچیز است و تورم و گرانی مدام به آن حقوق ناچیز دستبرد می‌زند. تازه این در صورتی است که حقوق بازنشستگی را بپردازند یا به موقع بپردازند. مقابله با اجحاف بر بازنشستگان یکی از محورهای اصلی مبارزات کارگران و محرومان ایران است. بازنشستگان هر هفته به خیابان می‌آیند و به قول خودشان حق‌شان را فریاد می‌زنند.



عوامل گفته شده و همچنین عوامل دیگر باعث می‌شدند کارگران در ایران هیچ‌گاه به‌طور مستقل وارد فاز انقلاب نشوند. اما در مورد نقش کارگران در انقلاب ۵۷ ایران به خصوص کارگران صنایع نفت و پتروشیمی، به هیچ عنوان نقش کارگران در پیروزی انقلاب را انکار کرد.

حرکت‌های کارگری در ایران تنها زمانی امکان موفقیت پیدا خواهد کرد که مبارزه خود هدفمند و سراسری کند و گام‌های جدی در جهت متحد کرده جنبش‌های دیگر بردارد و به‌نوعی وارد یک ائتلاف طبقاتی جامعه شده باشد. احزاب

آزادی‌خواه، چپ و کمونیست موظفند از اتحاد و همبستگی و مبارزه این طبقه حمایت کند و هرگز وادر بده‌ویستان‌های فرقه‌ای نشوند.

باید بپذیریم که هیچ حرکت بدون شکل‌گیری تشکل‌های مستقل کارگری و اتحاد و همبستگی سراسری آن‌ها و ائتلاف با جنبش‌های اجتماعی دیگر، امکان موفقیت ندارد.

اگر مارکس و انگلس و دیگران تلاش داشتند تا کارگران را از حوزه مبارزات اقتصادی به حوزه مبارزه سیاسی هدایت کنند، هدف آن‌ها جز رهائی طبقه کارگر به دست خویش معنی دیگری نداشت. بنابراین ضرورت همچنان‌که در طول تاریخ بارها گفته شد، گسترش سازمان‌دهی اعتراضات گسترده کارگران بدون توجه به فضای سیاسی است که امکان رهائی طبقه کارگر میسر گردد.

مارکس طبقه کارگر را به‌مثابه کلیدی برای چالش کشیدن حکومت استثمارگران و نیز استقرار جامعه‌ای تشخیص داد که در آن ثروتی که گروهی تولید می‌شود، باید گروهی استفاده شود.

طبقه کارگر تنها نیروی اجتماعی است که از قدرت به چالش کشیدن حاکمیت طبقه سرمایه دار برخوردار است. هیچ طبقه، گروه یا جمعیت دیگری وزن، انسجام یا سازمان‌دهی لازم را دارا نیست که بتواند با قدرت سرمایه‌داران و دستگاه ایدئولوژیکی و فیزیکی‌شان مبارزه کند.

همان‌گونه که مارکس گفته، رهائی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان‌پذیر است، اما بشرطی‌که این طبقه توانائی رهائی‌اش را به‌طور هدفمند فراهم کرده باشد. باید به فعالیت گسترده‌تر دست زده و در این شرایط سخت زندگی کارگران، آن‌ها را به ایجاد تشکل مستقل و مبارزه هدفمند فراخواند.

سه‌شنبه نهم اردیبهشت-ثور- ۱۴۰۴- بیست و نهم اپریل ۲۰۲۵